

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فقه ۲

سطح ۲

درس ۲۴

استاد: حجت‌الاسلام والمسلمین امینی
آموزشیار: آقای خادمی

بحث در نماز مسافر به بررسی ادله شرائط قصر رسید، در درس گذشته مستند عدم قصد اقامت ده روز یا بیشتر در جایی قبل از رسیدن به مسافت شرعی که هشت فرسخ بود بررسی و با استفاده از موثقه عمار که استمرار قصد را در طول سفر شرط می‌دانست ثابت شد که مسافر نمی‌تواند قصد اقامت ده روز داشته باشد، چون با استمرار قصد سفر قابل جمع نیست. در این درس به بررسی مستند مسائلی مثل: سفر باید مباح باشد، نباید سفر را به عنوان شغل انتخاب کرده باشد، از کسانی نباشد که خانه‌اش به همراه اوست، و این که باید به حد ترخص برسد تا حکم مسافر بر او بار شود، می‌پردازیم. در آخر نیز اشاره‌ای به قواطع سفر، یعنی چیزهایی که موجب قطع سفر می‌شوند می‌کنیم و توضیح آن را در درس بعد پی می‌گیریم.

متن عربى

١١. و أما اعتبار اباحة السفر، فلصحيحة عبيد بن زرارة: «سألت أبا عبد الله عليه السلام عن الرجل يخرج الى الصيد أيقصر أو يتم؟ قال: يتم، لأنه ليس بمسير حق» و غيرها.

١٢. و أما اعتبار عدم اتخاذ السفر عملا، فهو مورد اتفاق فى الجملة؛ و تدل عليه صحيحة زرارة: «قال ابو جعفر عليه السلام: اربعة قد يجب عليهم التمام فى سفر كانوا او حضر: المكارى، و الكرى، و الراعى، و الإشتقان لأنه عملهم» و غيرها.

و لا اشكال فى وجوب التمام على من كان السفر بنفسه عملا له؛ و إنما الكلام فىمن كان السفر مقدمة لعمله، و هو لم يتعرض له فى كلمات المتقدمين بل المتأخرين ايضا.

و المناسب وجوب التمام عليه تمسكا بعموم التعليل، فإنه يشمل من كان السفر مقدمة لعمله بقريضة بعض الامثلة كالراعى.

١٣. و أما اعتبار أن لا يكون ممن بيته معه، فلموثقة اسحاق بن عمار: «سألته عن الملاحين و الاعراب هل عليهم تقصير؟ قال: لا، بيوتهم معهم».

على ان القاعدة تقتضى ذلك ايضا، فإنه لعدم استقراره فى مكان معين لا يصدق عليه عنوان المسافر حتى يجب عليه القصر - بناء على ان موضوع وجوب القصر ذلك - فيتمسك بالمطلقات الدالة على وجوب التمام على طبيعى المكلف.

١٤. و أما اعتبار بلوغ حد الترخص، فلدلالة النصوص عليه. اجل اختلفت فى تحديده، فصحيح محمد بن مسلم: «قلت لأبى عبد الله عليه السلام: الرجل يريد السفر فيخرج متى يقصر؟ قال: اذا توارى من البيوت» اعتبر التوارى من البيوت الذى علامته عادة عدم رؤية اهل البلد، بينما صحيح عبد الله بن سنان عن ابى عبد الله عليه السلام: «سألته عن التقصير، قال: اذا كنت فى الموضع الذى تسمع فيه الأذان فأتم، و إذا كنت فى الموضع الذى لا تسمع فيه الأذان فقصر؛ و اذا قدمت من سفرك فمثل ذلك» اعتبر خفاء الأذان؛ و معه يحصل التنافى بين اطلاق المفهوم فى كل واحد من الصحيحين مع منطوق الآخر.

و يمكن رفعه بتقييد الأول - اطلاق المفهوم - بالثانى - منطوق الآخر - و بذلك يكفى تحقق أحدهما. قواطع السفر.

ينقطع السفر بالمرور على الوطن، او العزم على الإقامة عشرة متوالية فى مكان واحد، او البقاء فى مكان واحد ثلاثين يوما مع التردد.

دلیل اعتبار اباحهٔ سفر در قصر نماز^۱

۱. سفر؛ موضوع واجب، حرام، مستحب، مکروه و مباح قرار گرفته است.

سفر واجب

سفر با نذر، قسم یا عهد واجب می‌شود. همچنین است اگر به جا آوردن واجبی همچون حج، منوط به سفر باشد.

سفر حرام

سفر حرام دو گونه است: الف: به لحاظ خود سفر

حرمت سفر یا به لحاظ خود سفر است، مانند سفری که موجب اذیت و آزار پدر و مادر شود و سفر زن بدون اجازه شوهر در صورت منافات داشتن با حق او و نیز سفری که مصداق فرار از جنگ به شمار رود. در موارد یاد شده، حرمت سفر بدان جهت است که مصداق عنوان حرام- همچون آزار پدر و مادر- واقع شده است؛

ب: به لحاظ دستیابی به هدف حرام

و یا حرمت به جهت دستیابی به هدف و غرض حرامی است؛ هرچند اصل سفر قطع نظر از آن جایز باشد، مانند سفر به انگیزه، یا کشتن مسلمانی و یا فروختن شراب.

سفر مستلزم ترک واجب: هرگاه سفر مستلزم ترک واجبی باشد، مانند آنکه بدهکار در پی مطالبه طلبکار و عدم امکان پرداخت طلب او در حال سفر، مسافرت کند، آیا حرام خواهد بود یا نه؟ اختلاف است. برخی تفصیل داده و گفته‌اند: اگر انگیزه فرد از سفر، ادا نکردن بدهی و در دسترس طلبکار نبودن باشد، سفرش حرام است؛ اما اگر چنین قصدی از سفر نداشته باشد؛ بلکه انگیزه‌اش امری مباح یا مستحب باشد، سفر حرام نخواهد بود.

سفر روز جمعه پس از زوال

مسافرت کردن پس از زوال روز جمعه در صورت وجوب تعیینی نماز جمعه حرام است.

سفر در روز عید فطر و قربان

همچنین است حکم سفر پس از طلوع خورشید و قبل از گزاردن نماز عید در روز عید فطر و قربان در صورت وجوب آن.

سفر برای شکار: در حرمت سفر برای شکار به قصد سرگرمی و خوش گذرانی اختلاف است.

سفر در ماه رمضان: مسافرت کردن در ماه رمضان جایز است؛ لیکن به قول برخی، در روزه واجب معین غیر از روزه ماه رمضان، حرام است. سفر مستحب: سفری که به جا آوردن عمل استحبابی منوط به آن است، سفر مستحب به شمار می‌رود، مانند سفر جهت گزاردن حج مستحب یا زیارت مشاهد مشرفه.

سفر مکروه

سفر کردن در اوقات و موارد زیر مکروه است:

سفر بعد از طلوع فجر روز جمعه تا زوال

قبل از گزاردن نماز عید در فرض استحباب آن

از آغاز ماه رمضان تا بیست و سوم ماه

در روز دو شنبه؛

در زمانی که ماه در برج عقرب باشد؛

سفر به تنهایی

و سفر دریایی بویژه برای تجارت.

سفر مباح

سفری که مصداق هیچ یک از سفرهای چهارگانه یاد شده نباشد مباح است، مانند سفر به قصد گردش و تفریح، سفر زمینی به قصد تجارت و سفر به قصد شکار، برای تهیه آذوقه خانواده یا تجارت.

از جمله شرایط سفر این است که سفر باید مباح باشد، یعنی سفر معصیت نباشد؛ و اگر سفر معصیت باشد مثل این که فرزند بدون اذن پدر به سفر برود، یا برای انجام گناه و یا ترک واجب سفر کند، سفر او سفر شرعی محسوب نشده لذا نمی‌تواند نماز را قصر بخواند، بلکه باید نمازهایش را کامل بخواند. این مطلب از مسائلی است که علمای شیعه در آن اتفاق نظر دارند و کسی در آن مخالفت نکرده است.

صحیحۀ عبید بن زراره^۱

برای استدلال به این مطلب می‌توان به صحیحۀ عبید بن زراره استناد کرد. او نقل می‌کند: از امام صادق علیه السلام در مورد کسی که برای شکار سفر می‌کند سؤال کردم که آیا نمازش را باید قصر بخواند یا کامل؟ حضرت در جواب فرمودند: باید نمازش را کامل بخواند، چون سفری که انجام داده و مسیری که طی کرده در راه حق نبوده است. با توجه به جواب امام علیه السلام که علت کامل خواندن نماز را حق نبودن سفر بیان کرده‌اند به روشنی معلوم می‌شود که هر سفری که حق نباشد سفر شرعی محسوب نمی‌شود و فرد باید نمازش را کامل بخواند. روایات دیگری هم در این باب وجود دارند که می‌توان به آن‌ها هم استناد کرد.

دلیل اعتبار عدم شغل بودن سفر در قصر نماز

یکی دیگر از شرایط سفر این است که فرد نباید سفر را به عنوان شغل برای خود انتخاب کرده باشد، یعنی سفر کردن شغل او محسوب نشود، این مطلب هم اجمالا مورد اتفاق علما است.

صحیحۀ زراره

برای استدلال بر این مطلب می‌توان به صحیحۀ زراره استناد کرد، زراره نقل می‌کند: امام باقر علیه السلام فرمود: چهار گروه اند که وظیفه آن‌ها کامل خواندن نماز است، چه در وطن خود باشند و چه در حال سفر باشند، آن چهار گروه عبارت‌اند از: مکاری؛ -یعنی کسی که چهار پایانی دارد و آن‌ها را به دیگران کرایه می‌دهد تا برای مسافرت از آن استفاده کنند-، کری؛ -یعنی کسی که خود را برای انجام کاری در سفر اجیر می‌کند-، راعی؛ -یعنی چوپان و کسی که حیواناتی مثل گوسفند و شتر را برای چرا به بیابان می‌برد و مدام در حال چراندن حیوانات و پیدا کردن مرتع برای آن‌ها است-، و اشتقان؛ -یعنی کسانی که پیک و قاصد هستند و کار آن‌ها رساندن پیغام است که به ناچار در بین شهرها و آبادی‌های مختلف مدام در حال تردد هستند- در آخر حضرت علت کامل بودن نماز آن‌ها را این گونه بیان می‌فرمایند: چون این‌ها کارشان سفر است. از این روایت به وضوح دانسته می‌شود که هر کس کار او در سفر باشد و سفر شغل او محسوب شود وظیفه‌اش کامل خواندن نماز است. در مورد این مسأله با توجه به این روایت و روایات دیگری که در این باب وارد شده، اشکالی وجود ندارد.

۱. زراره چند فرزند پسر داشت که از روایان شیعه و غالباً از شاگردان امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام بودند. عبید یکی از فرزندان زراره، از همه بیشتر معتبر و مشهور بود و همه او را «موثق» میدانستند و شیعیان کوفه برای ملاقات با امام صادق علیه السلام و سئوالات خود، در موقع نیاز، او را به مدینه می‌فرستادند.

مسأله

اگر کسی سفر را شغل انتخاب نکرده باشد، اما لازمه شغل او سفر باشد، یعنی سفر مقدمه شغل او باشد، وظیفه چنین کسی چیست؟ آیا باید نماز را کامل بخواند یا قصر؟ این مسأله از مسائلی است که علمای گذشته و متأخرین از آنها متعرض آن نشده اند، شاید علت آن مبتلا به نبودن آن در زمان‌های گذشته باشد، به هر حال این سؤالی است که باید جواب آن روشن شود. مصنف در جواب این سؤال می‌فرماید:

با استفاده از عموم تعلیل صحیح زاره از امام باقر علیه السلام می‌توان استفاده کرد که وظیفه چنین شخصی هم کامل خواندن نماز است، چون حضرت به صورت عام فرمودند که چون سفر شغل این افراد است لذا باید نماز را کامل بخوانند. این مطلب با تأمل در مثال‌هایی که در روایت ذکر شده بیشتر روشن می‌شود، مثل: چوپان، چون شغل چوپان که سفر نیست، بلکه شغل او چراندن حیوانات و پیدا کردن مرتع برای آنهاست، اما به ناچار برای تحقق آن باید مسیرهای طولانی را طی کند تا بتواند شغل خود را انجام دهد.

پس از این روایت و عموم تعلیل آن می‌توان حکم این مسأله را به دست آورد و آن کامل خواندن نماز است برای کسی که سفر مقدمه شغل او است.

اعتبار خانه به دوش نبودن در قصر نماز

یکی دیگر از شرایط صدق سفر شرعی این است که مسافر از کسانی نباشد که خانه‌اش به همراه او است، و به اصطلاح رایج در زبان فارسی خانه به دوش نباشد.

موثقه اسحاق بن عمار

اسحاق نقل می‌کند: از امام علیه السلام در مورد ملوانان و اعراب بادیه نشین سؤال کردم که آیا آنها هم باید نماز را قصر بخوانند؟ حضرت در جواب فرمودند: نه، و دلیل آن را هم این گونه ذکر کردند: خانه این‌ها همراهشان است. با توجه به دلیل ذکر شده در روایت روشن می‌شود کسانی که خانه به دوش باشند، نمازشان کامل است.

مقتضای قاعده

علاوه بر موثقه عمار و روایات دیگری که در این باب وارد شده‌اند، می‌توان از راه مقتضای قاعده هم حکم این افراد را به دست آورد. اگر علت حکم به مسافر بودن و قصر نماز را صدق عنوان مسافر بدانیم، یعنی موضوع حکم سفر و قصر نماز مسافر است، روشن می‌شود که این افراد نمی‌توانند تحت موضوع این حکم واقع شوند، به این علت که عنوان مسافر بر آنها صدق نمی‌کند، چون وقتی کسی مثل اعراب بادیه نشین که تمام وسائل زندگی‌اش را به همراه دارد و مثل ملوانان، معمولاً در حال حرکت اند و در مکان خاصی سکونت ندارند، به همین علت مسافر شرعی به آنها صدق نمی‌کند، وقتی ممکن نباشد که این گونه افراد را تحت عنوان مسافر قرار داد، برای به دست آوردن حکم آنها رجوع به مطلقاتی می‌کنیم که حکم طبیعی مکلف را ذکر کرده‌اند، یعنی مکلف بدون در نظر گرفتن حالت سفر چه تکلیفی دارد؟ معلوم است که تکلیف او کامل خواندن نماز است؛ لذا در مورد این افراد هم حکم به کامل خواندن نماز می‌کنیم.

تطبيق

۱۱. و أما اعتبار اباحة السفر، فلصحيحة عبيد بن زرارة: «سألت أبا عبد الله عليه السلام عن الرجل يخرج الى الصيد أيقصر او يتم؟ قال: يتم، لأنه ليس بمسير حق^۱» و غيرها.

اما معتبر بودن مباح بودن سفر، به خاطر صحیحه عبيد بن زرارة است: «از امام صادق عليه السلام سؤال کردم از کسی که برای صید خارج می شود، آیا نمازش را قصر می کند یا تمام می خواند؟ فرمود: تمام می خواند، چون مسیر درستی را نرفته است» و روایات دیگر.

۱۲. و أما اعتبار عدم اتخاذ السفر عملا، فهو مورد اتفاق في الجملة؛ و تدل عليه صحيحة زرارة: «قال ابو جعفر عليه السلام: اربعة قد يجب عليهم التمام في سفر كانوا او حضر: المكارى، و الكرى^۲، و الراعى، و الإشتقان لأنه عملهم^۳» و غيرها.

اما معتبر بودن این که سفر را به عنوان شغل انتخاب نکرده باشد، چون في الجملة مورد اتفاق است؛ و صحیحه زرارة بر آن دلالت می کند: «امام باقر عليه السلام فرمود: چهار گروه اند که واجب است نماز را تمام بخوانند، در سفر باشند یا در حضر (در وطن خود): کرایه دهنده (چهار پا)، کرایه شونده (کسی که خود را اجیر کاری می کند)، چوپان، و قاصد، چون اینها شغل این چهار گروه هستند» و روایات دیگر.

و لا اشكال في وجوب التمام على من كان السفر بنفسه عملا له؛ و إنما الكلام فيمن كان السفر مقدمة لعمله، و هو لم يتعرض له في كلمات المتقدمين بل المتأخرين ايضا.

و اشکالی در وجوب اتمام نماز در مورد کسی که سفر را شغل خود قرار داده باشد نیست: بلکه اشکال در مورد کسی است که سفر مقدمه شغل او باشد، و در مورد چنین کسی در کلمات متقدمین (از علما) کسی متعرض حکم آن نشده، بلکه از متأخرین هم کسی متعرض آن نشده است.

و المناسب وجوب التمام عليه تمسكا بعموم التعليل، فإنه يشمل من كان السفر مقدمة لعمله بقرينة بعض الامثلة كالراعى.

و (قول) مناسب وجوب اتمام نماز بر چنین فردی است با تمسک به عموم تعلیل (تعلیل وجوب اتمام بر کسی که شغل او سفر است) چرا که شامل کسی هم که سفر مقدمه شغل او است می شود به قرینه بعض از مثالها (که در روایت ذکر شده) مثل چوپان.

۱۳. و أما اعتبار أن لا يكون ممن بيته معه، فلموثقة اسحاق بن عمار: «سألته عن الملاحين و الاعراب هل عليهم تقصير؟ قال: لا، بيوتهم معهم^۴».

۱. المصدر باب ۹ من ابواب الصلاة المسافر، حديث ۴.

۲. كرى كغنى: كثير المشى. و كأن المراد به من يكرى نفسه للمشى. و الاشتقان: امين البيدر او البريد. هكذا في الوافي: ۱۶۵/۷.

۳. وسائل الشريعة: باب ۱۱ من ابواب صلاة المسافر، حديث ۲.

۴. المصدر: باب ۱۱ من ابواب صلاة المسافر، حديث ۵.

اما معتبر بودن این که از افرادی نباشد که خانه‌اش همراه او است، به خاطر موثقه اسحاق بن عمار است: «از حضرت سؤال کردم در مورد ملوانان و اعراب (بادیه نشین) آیا تکلیف آن‌ها تقصیر نماز است؟ فرمود: نه، چون خانه آن‌ها همراهشان است».

على ان القاعدة تقتضى ذلك ايضا، فإنه لعدم استقراره في مكان معين لا يصدق عليه عنوان المسافر حتى يجب عليه القصر - بناء على ان موضوع وجوب القصر ذلك - فيتمسك بالمطلقات الدالة على وجوب التمام على طبيعي المكلف. بنا بر این که اقتضاء قاعده همین است، چون عنوان مسافر، به خاطر عدم استقرار این‌ها در مکان معین، صدق نمی‌کند تا این که نمازش قصر باشد - بنا بر این که موضوع وجوب قصر عنوان مسافر باشد - پس به مطلقاتی که دلالت بر وجوب اتمام نماز بر مکلف دارند تمسک می‌شود. SCO ۱۵:۲۰

دلیل اعتبار رسیدن به حدّ ترخص در قصر نماز

یکی دیگر از شرایط صدق سفر شرعی و قصر نماز این است که فرد پس از آن که قصد طی مسافت شرعی را کرده و سفر را آغاز نمود، از وقتی حکم سفر بر او بار می‌شود که به حد ترخص برسد. در اصل این مطلب اختلافی نیست و روایات وارد شده در این باب بر آن دلالت می‌کنند.

حدّ ترخص

مطلبی که محل اختلاف است و باید مورد بررسی قرار گیرد محدوده حد ترخص است، یعنی حد ترخص به کجا گفته می‌شود. در این مورد تعبیر روایات با هم اختلاف دارند و دو دسته‌اند:

دسته اول

این روایات ملاک حد ترخص را مخفی شدن خانه‌های جایی می‌داند که مسافر سفر خود را از آن جا آغاز کرده است. البته روشن است وقتی خانه‌ها پنهان شد اهل آن جا را هم نمی‌تواند ببیند.

صحیحہ محمد بن مسلم

محمد بن مسلم روایتی از امام صادق علیه السلام نقل کرده و می‌گوید: به حضرت عرض کردم: کسی که قصد سفر دارد و سفر را آغاز می‌کند، کجا باید نمازش را قصر بخواند؟ حضرت در جواب فرمودند: وقتی که از خانه‌های آن جا فاصله گرفت و خانه‌ها پنهان شد.

دسته دوم

این روایات ملاک حد ترخص را مخفی شدن اذان جایی می‌داند که مسافر سفر خود را از آن جا آغاز کرده است، یعنی اگر به جایی رسید که دیگر صدای اذان آن جا را نمی‌شنود باید نماز را قصر کند.

صحیحہ عبد الله بن سنان

عبد الله بن سنان هم روایتی از امام صادق علیه السلام نقل کرده و می‌گوید: از حضرت در مورد قصر شدن نماز سؤال کردم، حضرت فرمودند: اگر در جایی بودی که صدای اذان آن جا را می‌شنوی باید نماز را کامل بخوانی، و اگر در جایی بودی که صدای اذان آن جا نمی‌شنوی باید نماز را قصر بخوانی، در وقت بازگشت از مسافرت هم

مطلب همین گونه است. یعنی اگر موقع بازگشت هم صدای اذان را شنیدی باید نماز را تمام و اگر صدای اذان را نشنیدی باید نماز را قصر بخوانی.

تعارض بین روایات

با تأمل در این دو روایت متوجه تعارض بین این دو روایت می‌شویم، اما تعارض در این جا با تعارض‌های دیگر تفاوت دارد. در این جا اطلاق مفهوم هر یک از دو روایت با منطوق دیگری تعارض دارد. یعنی منطوق روایت اول این است که اگر خانه‌ها پنهان شد نماز را قصر بخوان، در این صورت اطلاق مفهوم آن می‌گوید: اگر خانه‌ها پنهان نشد نماز را تمام بخوان، چه صدای اذان را بشنوی و یا نشنوی. منطوق روایت اول هم این است که اگر صدای اذان را نشنیدی نماز را قصر بخوان، در این صورت اطلاق مفهوم آن می‌گوید: اگر صدای اذان را شنیدی نماز را تمام بخوان، چه خانه‌ها پنهان شود و یا نشود.

بیان تعارض

گاهی خانه‌ها پنهان شده اما صدای اذان را می‌شنود، و بالعکس، گاهی صدای اذان را نمی‌شنود اما خانه‌ها پنهان نشده است، حال در این دو صورت تکلیف چیست؟ باید به روایت اول عمل کند یا روایت دوم؟ در فرض اول که خانه‌ها پنهان شده اما صدای اذان را می‌شنود منطوق روایت اول می‌گوید: خانه‌ها پنهان شده پس نماز را قصر بخوان، اما اطلاق مفهوم روایت دیگر می‌گوید: صدای اذان را می‌شنوی پس نماز را تمام بخوان، و به همین بیان در فرض دوم با هم تعارض می‌کنند.

رفع تعارض

برای حل تعارض می‌توان گفت: اطلاق مفهوم را در هر کدام از دو روایت به منطوق روایت دیگر قید می‌زنیم. یعنی در فرضی که خانه‌ها پنهان شده اما صدای اذان را می‌شنود، اطلاق مفهوم نشنیدن صدای اذان را به پنهان شدن خانه‌ها قید می‌زنیم، یعنی وقتی صدای اذان را نشنیدی و خانه‌ها هم پنهان بود نماز را قصر بخوان، و همین طور در فرض دوم.

نتیجه

برای قصر نماز تحقق یکی از دو امر، یعنی پنهان شدن خانه‌ها یا نشنیدن صدای اذان کافی است. «FG»

۱. اباحه سفر: صحیحۃ عبید بن زراره.
۲. عدم شغل بودن مسافرت: صحیحۃ زراره.
۳. خانه به دوش نبودن: موثقه اسحاق بن عمار.
۴. رسیدن به حدّ ترخص: دلالت نصوص.

ادله بعض شروط قصر نماز

تطبيق

۱۴. و أما اعتبار بلوغ حد الترخص، فلدلالة النصوص عليه. اجل اختلفت في تحديده.

اما معتبر بودن رسیدن به حد ترخص، به خاطر دلالت روایات بر آن است. البته روایات در تعیین حد ترخص اختلاف دارند.

فصیح محمد بن مسلم: «قلت لأبي عبد الله عليه السلام: الرجل يريد السفر فيخرج متى يقصر؟ قال: اذا توارى من البيوت^۱» اعتبر التوارى من البيوت الذى علامته عادة عدم رؤية اهل البلد،

صحيح محمد بن مسلم: «به امام صادق عليه السلام عرض کردم: فردی اراده سفر می کند و خارج می شود، چه موقع نمازش را قصر می کند؟ فرمود: وقتی از خانه ها فاصله گرفت» که فاصله گرفتن از خانه ها را که معمولا نشانه آن ندیدن اهل آن آبادی است، معتبر دانسته است.

بينما صحيح عبد الله بن سنان عن ابي عبد الله عليه السلام: «سألته عن التقصير، قال: اذا كنت فى الموضع الذى تسمع فيه الأذان فأتم، و إذا كنت فى الموضع الذى لا تسمع فيه الأذان فقصر؛ و اذا قدمت من سفرک فمثل ذلك^۲» اعتبر خفاء الأذان.

در حالی که صحیح عبد الله بن سنان از امام صادق علیه السلام: «از حضرت در مورد قصر کردن نماز سؤال کردم، فرمود: اگر در جایی بودی که اذان را می شنوی پس باید کامل بخوانی، و اگر در جایی بودی که اذان را نمی شنوی پس باید قصر بخوانی؛ و اگر از سفر هم باز گشتی همین گونه است» مخفی شدن اذان را معتبر دانسته است.

و معه يحصل التنافی بین اطلاق المفهوم فى كل واحد من الصحیحین مع منطوق الآخر.

در این صورت بین اطلاق مفهوم هر یک از دو صحیح با منطوق دیگری تعارض به وجود می آید.

و يمكن رفعه بتقييد الأول - اطلاق المفهوم - بالثاني - منطوق الآخر - و بذلك يكفى تحقق أحدهما.

رفع این تعارض ممکن است به این که اولی - یعنی اطلاق مفهوم را - به دومی - منطوق دیگری - تقييد کنیم، و در این صورت است که تحقق یکی از آن دو (خفاء اذان یا فاصله گرفتن از خانه ها) در قصر نماز کافی است.

SCO۲۲:۵۸

قواطع سفر

بعد از اتمام بحث در مورد سفر و شرائط آن، بحث قواطع سفر مطرح می شود. یعنی چیزهایی هست که باعث قطع سفر شرعی می شود، لذا فرد دیگر مسافر نیست و با محقق شدن هر یک از این قواطع، نمی تواند نماز را قصر بخواند، بلکه وظیفه او اتمام نماز است.

۱. المصدر: باب ۶ من ابواب صلاة المسافرين، حدیث ۱.

۲. المصدر: باب ۶ من ابواب صلاة المسافرين، حدیث ۳.

عبور از وطن

یکی از قواطع سفر این است که مسافر در طول مسیر حرکت از وطن خود عبور کند، در این صورت سفر او قطع شده و باید برای ادامه مسیر دوباره از وطن قصد طی مسافت شرعی را داشته باشد.

قصد اقامت ده روز

اگر مسافر در بین طی مسیر به جایی برسد و قصد کند که ده روز در آن جا اقامت کند سفر او قطع می‌شود و موقع حرکت از آن جا باید دوباره قصد طی مسافت شرعی را داشته باشد.

توقف سی روزه با تردید

مورد آخر صورتی است که در طول مسیر سفر به جایی برسد و در آن جا بماند، بدون این که قصد ماندن مقدار خاصی را کند و مردد باشد که چند روز در آن جا می‌ماند، اگر در این صورت این تردید تا سی روز ادامه داشته باشد، در روز سی و یکم تکلیف او کامل خواندن نماز است، چه بخواهد در آن جا بماند و یا بداند که در آن جا نخواهد ماند.

توضیح بیشتر این موارد و اقامه دلیل بر آن‌ها در درس بعد مورد بررسی قرار می‌گیرد. «FG»

- | | | |
|---|---|-----------|
| <p>۱. مرور به وطن.</p> <p>۲. قصد اقامت ده روزه در یک مکان.</p> <p>۳. اقامت سی روزه در یک مکان با تردید.</p> | } | قواطع سفر |
|---|---|-----------|

تطبيق

قواطع السفر

چیزهایی که سفر را قطع می‌کنند.

ينقطع السفر بالمرور على الوطن، او العزم على الإقامة عشرة متوالية في مكان واحد، او البقاء في مكان واحد ثلاثين يوما مع التردد.

سفر قطع می‌شود با گذشتن از وطن، یا عزم بر ماندن ده روز پشت سر هم در مکان واحد، یا به مدت سی روز در

جایی ماندن در حال تردید. SCO۳۲۷:۴

چکیده

۱. سفر باید مباح باشد، پس اگر سفر مباح و حق نباشد، سفر شرعی نبوده و باید نماز را کامل بخواند.
۲. اگر سفر به عنوان شغل فرد محسوب شود، موجب قصر نمی‌شود.
۳. کسی که سفر مقدمه شغل او است، در حکم، ملحق به کسی است که شغل او سفر است.
۴. مسافر نباید از کسانی باشد که خانه‌اش به همراه او است؛ و اگر از این افراد باشد نماز او کامل است.
۵. مسافر از وقتی می‌تواند نماز را قصر بخواند که به حد ترخص رسیده باشد.
۶. در تعیین محدوده حد ترخص دو دسته روایت وارد شده که یکی آن را پنهان شدن خانه‌ها و دیگری نشنیدن صدای اذان می‌داند، لذا بین اطلاق مفهوم هر یک با منطوق دیگری تعارض پیش می‌آید.
۷. حل تعارض به این است که اطلاق مفهوم هر یک را به منطوق دیگری تقیید بزنیم، در این صورت نتیجه این می‌شود: هر کدام از پنهان شدن خانه‌ها و نشنیدن صدای اذان محقق شود برای حد ترخص کافی است.
۸. سه چیز موجب قطع سفر است: عبور از وطن، قصد اقامت ده روز در جایی، اقامت در جایی به صورت مردد به مدت سی روز.